

١. أمضي شبابه في الرحلات و درس على علماء البصرة و الكوفة.

الف. جوانی‌اش را در سفر گذراند و نزد عالمان بصره و کوفه درس خواند.

ب. جوانان سفر را دوست دارند و از عالمان بصره و کوفه درس می‌آموزند.

ج. همه دوران جوانی خود را در سفر گذرانند، و از عالمان بصره و کوفه بهره برد.

د. عالمان بصره و کوفه در دوره جوانیش به او دانش روز را آموختند.

٢. لقد بُلى المسلمون بمصائب لم يبتل بها أحد من الأمم.

الف. مصیبت‌های مسلمانان همان بلاهائی است که ملت‌های دیگر به آن دچار می‌شوند.

ب. مسلمانان به مشکلاتی آزموده می‌شوند که هیچ‌یک از ملت‌ها به آن آزموده نشدند.

ج. مسلمانان به مصیبت‌هایی دچار شدند که هیچ‌یک از ملت‌ها دچار آن نشدند.

د. ملتها به مصیبت‌هایی دچار شدند که احدی از مسلمانان به آن دچار نشدند.

۳. وَهَبَ اللَّهُ يَأْكُلْهُ حَبًّا مِنْ غَيْرِ عِلَاجٍ.

الف. او دانه‌های گندم را بدون آنکه بخورد، برای علاج و درمان هبه کرد.

ب. فرض کن او دانه گندم را بی آنکه به صورت نان درآید، بخورد.

ج. دانه‌های گندم را به او ببخش تا آن را به صورت نان درآورد.

د. او دانه‌های گندم را بی‌آنکه به صورت نان درآید، می‌خورد.

٤. مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَكُونَ حَدِيثًا حَسَنًا فَلْيَفْعَلْ.

الف. اگر می‌توانی از خود نام نیک بجا بگذاری، چنان کن

ب. هر کس بتواند حدیثی خوب به زبان بیاورد، پس انجام دهد.

ج. هر کس توانست سخن خوب بر زبان جاری کند، چنان کند.

د. هر کس بتواند سر گذشت نیکی باشد، چنان کند.

٥. أيها الناس ! ما فعلتُ من شيء فافعلوا مثله.

ای مردمان ...

الف. از آنچه من انجام دادم، شما انجام ندهید.

ب. آنچه را شما انجام می‌دهید، من آن را انجام نمی‌دهم.

ج. هر چه من انجام دادم شما نیز مانند آن انجام دهید.

د. من انجام نمی‌دهم آنچه را شما انجام داده‌اید.

٤. ذَرُونِيْ وَهُؤُلَاءِ الْقَوْمُ، فَإِنَّهُمْ لَا يَطْلُبُوْنَ غَيْرِيْ.

الف. من را با این قوم واگذارید، زیرا که آنان تنها من را می‌خواهند.

ب. من در کنار این قوم ذره‌ای بیش نیستم، مرا تنها بگذارید.

ج. من در کنار این قوم خواهم ماند، چون آنان غیر از من کسی ندارند.

د. این قوم ذریه من هستند و جز من را نمی‌خواهند.



نام درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی
رشته تحصیلی: گرایش تاریخ
کد درس: ۴۵۱۱۳۹
تعداد سئوال: ۳۰ تکمیلی
زمان امتحان: ۵۰ دقیقه تشریحی
تعداد کل صفحات: ۴

۷. لوأدعی له فیها المعجزة لا شبهة علی قوم.

الف. اگر ادعای معجزه می‌کرد، پذیرش آن ممکن نبود.

ب. اگر قومی به اشتباه ادعای معجزه می‌کرد، او نمی‌پذیرفت.

ج. اگر معجزه‌ای در آن وجود داشت، ادعایی بیش نبود.

د. اگر آن معجزه خوانده می‌شد، قومی آن را باور می‌کردند.

۸. لا یصطلي بناره ولا یدخل فی غباره ولا یناویه قرن.

الف. به آتش او کس نمی‌سوخت، کسی با او وارد میدان نمی‌شد، و هم‌وردی نداشت.

ب. یکه تاز میدان بود، کسی به گردش نمی‌رسید و همتایی در مبارزه نداشت.

ج. شجاع و بی‌باک بود، همتایی در مبارزه نداشت، یکه‌تاز میدان نبرد بود.

د. آتش خشم او همه را می‌سوخت، کسی به گردش نمی‌رسید، یکه‌تاز قرن بود.

۹. أضحت منازلهم فقراً معطلة.

الف. خانه‌ها خالی از سکنه و متروک گشت.

ج. منزلگاه‌های آنان همواره آباد بود.

۱۰. لا ترفعن باطلا ولا تجلسن حقاً.

الف. حق را ره پای دار و باطل را حبس کن

ج. باطل را احیا نکن و حق را ضایع مکن

۱۱. قد کلفناک شططاً و أتعناک.

الف. ما کارهای پراکنده به او تکلیف کردیم و او خسته شد.

ب. او ما را بسیار به زحمت انداخت و ما را خسته کرد.

ج. شما را بیش از حد به رنج انداختیم و شما را خسته کردیم

د. به شما تکلیف کردیم که رنج بیهوده نبرید.

۱۲. عائلهم محفوف و غنیهم مدعوف.

الف. نیازمندان و ثروتمندان دعوت شده بودند.

ج. هم نیازمند محروم شده بود و هم ثروتمند.

۱۳. واحذر صحابة من یفل رأیه وینکر عمله.

الف. از همنشینی کسی که رایش سست و کارش ناپسند است، بپرهیز.

ب. به کسی که نظرش بیهوده و کارش ناستوده است، هشدار بده.

ج. دوری کن از کسی کارش نکوهیده و سخنش نسجیده است.

د. همنشینی مکن با کسی که نظرش نکوهیده و حرفش تسنجیده است.



تعداد سؤالات: نسی ۳۰ تکمیلی
تعداد کل صفحات: ۴
نصفه تشریحی
زمان امتحان: نسی و تکمیلی ۵۰ دقیقه تشریحی

نام درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی ۱
رشته تحصیلی: گرایش: تاریخ
کد درس: ۴۵۱۱۳۹

۱۴. خرجنا إلی بلادک و اخترناک علی من سواک.
الف. تو را و کشورت را انتخاب کردیم، چون با دیگران فرقی نداشتی.
ب. تو را با دیگران برابر دیدیم، به همین سبب نزد تو آمدیم.
ج. به سرزمین تو آمدیم و از میان دیگران تو را برگزیدیم.
د. به کشور تو خروج کردیم، و دیگران را بر تو ترجیح دادیم.
۱۵. ما نزل تحت هذه الشجرة قط إلا نبي.
الف. زیر سایه این درخت فقط پیامبران فرود می آیند.
ب. زیر سایه این درخت تنها پیامبر فرو می آید.
ج. این درخت و سایه اش فقط به پیامبران اختصاص دارد.
د. زیر سایه این درخت هرگز کسی فرو نیاید مگر پیامبر.
۱۶. أنت أنقذتنا من السبِّ و الشتم.
الف. تو ما را از دشنام و ناسزا رهایی دادی.
ج. تو همان هستی که به ما دشنام و ناسزا گفتی
د. تو نه اهل دشنامی نه اهل ناسزا
۱۷. فلم یقم لهم بعد ذلك قائمة إلی الآن.
الف. بعد آن ماجرا تا کنون دیگر نتوانست سر بلند کند.
ب. پس از آن تا به امروز دیگر قیام و شورش نکردند.
ج. پس از آن روز تا به امروز دیگر قدرتی نیافتند.
د. از آن روز تا کنون دیگر جنگی به راه نیانداختند.
۱۸. من جاء بصالح فله عشرة آلاف دينار.
الف. هر کسی کار نیکی انجام دهد، ده هزار دینار پاداش دارد.
ب. هر کس همراه صالح باشد، بیست هزار دینار باید بپردازد.
ج. هر یک از شما عمل صالحی انجام دهد، ده هزار دینار پاداش دارد.
د. هر کس صالح را بیاورد، ده هزار دینار از آن اوست.
۱۹. فأتقوا الله حق تقاته.
الف. خدا را به شایستگی آنچنان که حق اوست، یاد کنید.
ب. تقوای الهی پیشه کنید آن چنان که شایسته است.
ج. مانند تقوا پیشه گان، تقوای الهی پیشه کنید.
د. از خدا بترسید، و حق از تقوا پیشه گان ضایع نکنید.
۲۰. فبِعین الله ما تفعلون.
الف. به خدا سوگند، آنچه انجام می دهید، خدا آگاهست.
ب. آنچه انجام می دهید، در محضر و منظر خداست.
ج. هیچ چیز از دید خدا پنهان نمی ماند.
د. کاری که انجام می دهید، از چشم خدا پنهان نیست.



نام درس: قرائت متون تاریخی به زبان عربی

رشته تحصیلی: گرایش تاریخ

کد درس: ۴۵۱۱۳۹

تعداد سؤالات: نسی ۳۰ تکمیلی تشریحی

زمان امتحان: نسی و تکمیلی ۵۰ دقیقه تشریحی

تعداد کل صفحات: ۴

ب: عین الصَّحیح فی التَّشکیل:

۲۱. فانک ما تقدم من خير يبق لك ذخره.

الف. تُعَدُّم، يَبْق، ذُخْرُهُ ب. تَقَدَّمَ، يَبْق، ذَخَرَهُ ج. اَلْكَ، خَيْر، لَكَ د. يَبْق، خَيْر، ذُخِرُهُ

۲۲. فليُنظر الرجل إلى سيفه وليتَّهِأ وليصلح من شأنه.

الف. يُنْظَر، الرَّجُل، يَتَّهِأ ب. يَتَّهِأ، شَأْنُهُ، سَيْفُهُ ج. يَنْظُر، سَيْفِهِ، يُصْلِح د. فليَنْظُر، يَصْلُح، شَأْنُهُ

۲۳. إن صاحبك أظهر أمراً فكتب إليه بما شاكلة

الف. أمراً، شَاكِلَةً، أَظْهَرَ ب. صَاحِبَكَ، كَتَبَتْ، شَاكِلَةً ج. أَظْهَرُ، كَتَبَتْ، أَمْرًا د. صَاحِبُكَ، أَظْهَرَ، كَتَبَتْ

۲۴. فَعَبَدْنَا اللَّهَ وَحْدَهُ فَلَمْ نُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا

الف. فَعَبَدْنَا، اللَّهَ، نُشْرِكُ ب. اللَّهَ، وَحْدَهُ، نُشْرِكُ ج. وَحْدَهُ، فَلَمْ، بِهِ د. عَبَدْنَا، وَحْدَهُ، نُشْرِكُ

ج: عَيْن الصَّحِيح فِي إِعْرَابِ الْكِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا نَحْطُ

۲۵. فصارت هذه الغزاة سبياً لإخراج الروم أموالهم.

الف. مفعول به شبه فعل اخراج و منصوب

ج. مفعول به لفعل محذوف

۲۶. أعطيك علي أسرك آيائي ما شئت.

الف. مفعول به المقدم لفعل شئت

ج. لا محل له من الإعراب لأنه حرف

۲۷. ولم يبق من آثارها القديمة إلا اطلال بالية.

الف. مستثنى منقطع و مرفوع

ج. فاعل لفعل لم يبق و مرفوع

۲۸. أنشدني شعراً أستحسنة

الف. جمله معترضة لا محل له من الاعراب

ج. جمله حالیه و منصوب محلاً

۲۹. لم تزل الرُّسُلُ تتردُّدُ بينها في ذلك.

الف. خبر « لم تزل » و منصوب محلاً

ج. اسم « لم تزل » و مرفوع محلاً

۳۰. هب الأيام مسأله

الف. مبتدأ مؤخر و مرفوع

ج. حال مغرودة و منصوب

ب. خبر صار و منصوب

د. مفعول معه و منصوب

ب. مفعول به شبه فعل أسر

د. مفعول به ثان لفعل أعطى

ب. مستثنى مفرغ و منصوب

د. مستثنى متصل و مرفوع

ب. جمله وصفیه و منصوب

د. جمله وصفیه و مرفوع محلاً

ب. جمله حالیه و منصوب محلاً

د. جمله وصفیه و منصوب محلاً

ب. خبر و مرفوع لفظاً

د. مفعول به ثان لفعل هب